info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۴۵
یکشنبه / ۶ مهر / ۱۴۰۴
۵ / ربیع الثانی / ۱۴۴۷
28 / September / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۴۳۸۳۸-۳۲۵۴۴۴۴۴-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۱۹۴

امروز با حافظ

سَمَن‌بویان غبارِ غم چو بنشینند، بنشانند
پری‌رویان قرار از دل چو بستیزند، بستانند
به فتراکِ جفا دل‌ها چو بربندند، بربندند
ز زلفِ عَنبرین جان‌ها چو بگشایند، بفشانند

طرفانه

گر تاج می‌دهی غرض ما قبول تو
ور تیغ می‌زنی طلب ما رضای توست

سعدی

افق کرج

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۵	۰۵:۵۹	۱۱:۵۶	۱۷:۵۲	۱۸:۱۰

برگه

انسان کسی را می‌تواند نجات دهد که خود اصرار به سقوط نداشته باشد...

تولستوی

دیدگاه

آغاز مدرسه فصل شکفتن است؟

نعمت‌الله فاضلی در دیباچه کتاب «مرگ مدرسه» به نقل از تافلر می‌نویسد: «مدرسه‌های ما به جای آنکه به جامعه جدیدی که در حال پیدایش است چشم داشته باشند به یک سیستم در حال مرگ واپس می‌نگرند. همه توان‌هایشان در این جهت به کار گرفته می‌شود تا انسان‌هایی شبیه ابزار درست کنند و تحویل دهند؛ انسان‌هایی که بتوانند در سیستم محتضری که قبل از خودشان خواهد مرد به زندگی ادامه دهند».

به گزارش پیام آشنا به نقل از قدس، چند سالی است روز اول مهر و بازگشایی رسمی مدارس، مثل همین امروز که گفته‌اند تا چند روز ابتدایی، خبری از سرویس مدرسه نیست، به ناچار باید خودم، دخترم را به مدرسه برسانم.
برای خودم بهانه‌ای می‌تراشم که نمی‌خواهم اولین تجربه‌های ناخوشایندم از سال‌های نخست ورود به مدرسه، از جدایی چندساعته از خانه تا دلشوره‌های خو گرفتن با قواعد تازه و دشوار و خلاصه احساس اجبار، بیگانگی و اضطرابِ همین اول صبح در تراکم ترافیک عین خوره به جانش بیفتد و مثلاً در کلاس از اثبات قضیه فیثاغورس یا حل معادله درجه دوم به روش تجزیه معادله درجه ۲ و... عاجز و درمانده بماند!
با همین بهانه هم هر سال پیش از حرکت، طبق یک عادت همیشگی برایش همان نوستالژی دلچسب «همشاگردی سلام» دهه ۶۰ خودمان را می‌گذارم و زیر لب زمزمه‌اش می‌کنم:
آغاز سال نو، با شادی و سرور
هم‌دوش و هم‌زبان، حرکت به سوی نور
آغاز مدرسه، فصل شکفتن است
در زنگ مدرسه، بیداری من است
در دل دارم امید، بر لب دارم پیام
همشاگردی سلام، همشاگردی سلام
مدرسه برای بسیاری از هم‌نسل‌های من پر بود از احساس اضطراب‌های مدام؛ از سیاهچال‌های گوشه حیاط تا ترکه‌های خم شده آلبالو در دست ناظم و خودکار بیک لای انگشت معلم ریاضی و علوم.
ترسی مدام درست شبیه آنچه جلال آل‌احمد در «مدیر مدرسه» ترسیمش می‌کند: همان‌طور وهم‌انگیز و روح‌کش که ترسیمش کرده است: «یکی دو بار کوشیدم بالای دست یکی‌شان بایستم و ببینم چه می‌نویسد.
ولی چنان مضطرب می‌شدند و دستشان به لرزه می‌افتاد که از نوشتن بازمی‌ماندند. می‌دیدم که این مردان آینده، در این کلاس‌ها و امتحان‌ها آن‌قدر خواهند ترسید که وقتی دیپلمه بشوند یا لیسانسه، اصلاً آدم نوع جدیدی خواهند شد. آدمی انباشته از وحشت، انبانی از ترس و دلهره».
واقعیت اینکه هنوز هم خاطرات مدرسه برای ما پر است از اتوریته بی چون و چرای مدیر و معلم و اطاعت‌پذیری بی‌چون و چرای دانش‌آموز.
امروز گرچه متولیان تعلیم و تربیت به ظاهر کوشیده‌اند خیال دانش‌آموزان را با وعده‌هایی همچون اجرای سند تحول بنیادین از فوبیای مدرسه راحت کنند، اما همچنان در بسیاری از مدارس همین قید و بندها بر پای شیوه‌های آموزشی سنگینی می‌کند.
نتیجه و بازتاب تربیت در چنین مدارسی را می‌توان در کف خیابان و چگونگی کنش‌های جامعه دید؛ از بی‌مهری با محیط زیست تا فرهنگ غلط رانندگی، از ساختارهای غلط اداری تا رفتار نسلی که تاب‌آوری در برابر بحران‌ها را نیاموخته است.
واقعیت آن است تداوم حیات مدرسه با همین سبک و محتوا، حکایت باز کردن قفل نو با کلید کهنه است.
نعمت‌الله فاضلی در دیباچه کتاب «مرگ مدرسه» به نقل از تافلر می‌نویسد: «مدرسه‌های ما به جای آنکه به جامعه جدیدی که در حال پیدایش است چشم داشته باشند به یک سیستم در حال مرگ واپس می‌نگرند. همه توان‌هایشان در این جهت به کار گرفته می‌شود تا انسان‌هایی شبیه ابزار درست کنند و تحویل دهند؛ انسان‌هایی که بتوانند در سیستم محتضری که قبل از خودشان خواهد مرد به زندگی ادامه دهند».
جلال آل‌احمد در همان شاهکار مدیر مدرسه، این ناگواری آموزشی و پیامدهای آن را این‌گونه ترسیم می‌کند: «حتی وزرای فرهنگ هم اذعان می‌کنند که این اسم‌ها و فرمول‌ها و سنه‌ها و محفوظات جایی از عمر پر از بیکاری فردای بچه‌ها را نخواهد گرفت و ناچار باید در مدرسه هر بچه‌ای کاری یاد بگیرد. هنری، فنی، صنعتی... تا اگر از پته‌ها و کاغذپاره‌های قاب‌گرفته کاری برنیامد و میزی خالی نبود، کسی از گرسنگی نمیرد. پس چه بهتر از کاردستی؟ پس زندباد مقوای قوطی‌های کفش و شیرینی!» در جایی به نقل از بوذرجمهر، وزیر ساسانی آورده‌اند: یک انسان باید یک‌سوم روز و شبش را به پرسیدن پرسش‌های خردمندانه اختصاص دهد. شاید بدین معنا که یک‌سوم زمان ما باید به آموزش مسئله‌محور گذرانده شود.
امروز پس از سال‌ها که کوشیده‌ایم تاروپود سخت و شکننده شیوه‌های سنتی آموزشی خود را به بافتی نرم و انعطاف‌پذیر تغییر دهیم اما همچنان حافظه‌محوری به جای مسئله‌محوری رویکرد غالب مدارس ماست. ضمن آنکه معلم نیز در همین فضا، گاه مقهور و گاه همراه مافیای بی‌قید و شرط کتاب‌های کمک‌آموزشی در مدارس و تازه‌ترین ترفندهای تست‌زنی است.
حال آنکه مدرسه باید ردای کهنه نظری خود را درآورده و لباس مهارت‌آموزی بر تن کند. باید روح نقد و پرسشگری را در دانش‌آموزان تقویت کرده و او را همچون پرسشگری خلاق برای حل مسائل جامعه تربیت کند.
یعنی همان وظیفه‌ای که شوربختانه نهاد امروز دانشگاه از انجام آن ناتوان است.
در غیر این‌صورت؛ در حالی چنین نزار و ناخوش و در مواجهه‌ای سست، کم‌جان و کم‌رمق از سوی متولیان نظام تعلیم و تربیت دولتی، جامعه همچنان از نظام آموزش رسمی طرفی نخواهد بست، از آن قطع امید می‌کند و فرزندانش را برای جا نماندن از صف پذیرش در رشته‌های نان و آب‌دار، روانه مدارس خاص و خصوصی می‌کند؛ به همان سکوهای پرتابی که وظیفه مهاجرت دانش‌آموختگان دانشگاهی در آینده بر دوش آن‌هاست!

جواد صبوحی

گزارش روز

بال دولت سبک‌تر می‌شود؟

دولت چهاردهم مصوبه‌ای را به تصویب رسانده است که اختیارات بیشتر را به استانداران می‌دهد. هیئت وزیران این مصوبه را با هدف چابک‌سازی دولت و انجام بهینه امور و استفاده از ظرفیت‌های استانی به تصویب رسانده‌است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از هم میهن، دولت چهاردهم مصوبه‌ای را به تصویب رسانده است که اختیارات بیشتر را به استانداران می‌دهد. هیئت وزیران این مصوبه را با هدف چابک‌سازی دولت و انجام بهینه امور و استفاده از ظرفیت‌های استانی به تصویب رسانده‌است. این تصویب‌نامه به پیشنهاد وزارت کشور و معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و با استناد به اصل ۱۳۸ قانون اساسی ارائه شده است که مصوباتی را به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی داشته است و وظایفی را به استاندارها به‌ویژه در استان‌های مرزی واگذار کرده است.

وعده پزشکیان

چابک‌سازی دولت و کاهش هزینه‌ها، وعده‌ای است که مسعود پزشکیان اخیراً در صحبت‌های خود به آن اشاره‌هایی داشته است. او در یکی از جلسات اخیر هیئت دولت با اشاره به اینکه موضوع چابک‌سازی سیاست قطعی دولت است، تاکید کرد که تمامی وزرا و مسئولان دستگاه‌های اجرایی در حوزه کنترل و مدیریت منابع مسئولیت خود را ایفا و گزارش‌هایی را ظرف یک ماه آینده ارائه کنند. او همچنین در سخنانی که در سفر به اردبیل انجام داده بود، به موضوع تغییر در فعالیت کارمندان اشاره کرد و گفت: «رئیس‌جمهور به رهبری گفته است کارمندان ساعت ۹ بیایند و ساعت ۱۲ بروند چراکه کاری انجام نمی‌دهند اما آب و برق مصرف می‌شود.»
رئیس‌جمهور علاوه بر چابک‌سازی در زمینه‌های مصرف انرژی، در حوزه‌های دیگری نیز بر این موضوع تاکید کرده و نه در مقام سخن که در عمل، دولت او ورود اجرایی داشته است. برای نمونه واگذاری اختیارات به استانداران در ایام جنگ یکی از اقداماتی بود که یکی از اهداف آن چابک‌سازی بود که هم رضایت بازوی اجرایی دولت در استان‌ها را به همراه داشت و هم برخی کارشناسان بر موثر بودن این اقدام تاکید داشتند.

به این سادگی نیست...

با این حال، چابک‌سازی ابعاد مختلف و پیچیده‌ای دارد و مؤلفه‌های مختلفی از جمله عوامل انسانی، سازمانی، راهبردی و فناورانه در آن نقش دارند و اجرای اصولی آن را سخت خواهد کرد. فربه شدن سازمان‌های اداری در دهه‌های اخیر، ایجاد سازمان‌های موازی و استخدام‌های بی‌ضابطه به‌ویژه در ایام پایانی کار دولت‌ها از جمله موضوعاتی هستند که مانع اصلی تحقق چابک‌سازی شده‌اند. فشارهایی که از سوی برخی افراد صاحب نفوذ در اضافه کردن به بار انسانی سازمان‌های دولتی وجود دارد و لابی‌های گسترده بخشی از چالش‌هایی است که دولت‌ها در چابک‌سازی با آن روبه‌رو هستند. دیوان عدالت اداری اخیراً به پرونده استخدام چهار هزار نفر در دولت سیزدهم ورود کرده و استخدام‌های صورت‌گرفته را غیرقانونی اعلام کرد. اما این رای دیوان مورد انتقاد بسیاری به‌ویژه از سوی جریان‌های فکری مشابه دولت سیزدهم و حامیان استخدام‌ها مواجه شد. علیرضا سلیمی، نماینده مجلس در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به طرح دولت فعلی، هدف از این کار را کنار گذاشتن نیروهای توانمند، دلسوز و باتجربه دانست. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز اعلام کرد که این موضوع را تا تعیین تکلیف شدن پیگیری خواهد کرد.

ورود سطحی دولت

با نحوه ورود فعلی دولت چهاردهم به موضوع چابک‌سازی احتمال به ثمر رسیدن این خواسته دولت را با ابهام روبه‌رو کرده است. غلامحسین کرباسچی، مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن اخیراً در مصاحبه‌ای درباره چابک‌سازی دولت چهاردهم گفت: «من در وجنات آقای پزشکیان و دولت ایشان نمی‌بینم که بتوانند چنین کاری کنند. کار بسیار سخت و ضروری‌ای است. هر نیرویی را بخواهند تعدیل کنند فردایش شکایت می‌کند. بعد هم حکمی می‌گیرد و به کارش بازمی‌گردد. برای انجام این کار کل حاکمیت باید انرژی بگذارد؛ مجلس، قوه قضائیه و□» کرباسچی در این گفت‌وگو که با انصاف‌نیوز انجام داد تاکید کرد: «اگر تعداد مجموعه کارکنان دولت در پایان دوره‌ی چهارساله‌ی پزشکیان فقط ۱۰ درصد کمتر شود یا حتی به همان تعداد قبل از ورود پزشکیان باقی بماند هم کار بسیار بزرگی است».

چابک‌سازی و کوچک‌سازی

تعدیل نیروهای استخدام‌شده بُعد دیگری از چابک‌سازی است که همزمان با مطرح شدن آن رنگ می‌گیرد و نگرانی‌هایی را به‌ویژه برای کارمندان دولت به همراه دارد. حال آنکه به عقیده کارشناسان امور اداری و استخدامی این موضوع نه همزمان با اجرای اصلاحات ساختاری که آخرین مرحله‌ای است که باید برای چابک‌سازی اجرایی شود. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که در سال ۱۴۰۰ منتشر کرد، به تمایز میان چابک‌سازی و کوچک‌سازی پرداخت.
در این گزارش با اشاره به اینکه سابقه مباحث چابک‌سازی و کوچک‌سازی در ایران سابقه‌ای ۲۰ ساله دارد، تاکید شده است که مسائل مربوط به بزرگ و پرهزینه بودن دولت برای سیاستگذاران و مجریان حوزه نظام اصلاح نظام اداری به خوبی شناخته شده است اما سیاست‌های در نظر گرفته شده در این زمینه کمتر به مرحله اجرا رسیده‌اند.
درک تفاوت میان دو مفهوم چابک‌سازی و کوچک‌سازی این امکان را فراهم می‌کند که در تدوین سیاست‌های چابک‌سازی، جنبه‌های متنوع‌تری از مسئله مدنظر قرار گیرد و صرفاً محدود به کوچک‌سازی دولت و به‌خصوص کاهش هزینه از طریق کاهش تعداد نیروی انسانی دولت نشود. البته که یکی از وجوه بیرونی چابک‌سازی می‌تواند همین کوچک‌سازی باشد و بر همین اساس است که بسیاری از تحلیلگران در گریزشان به چابک‌سازی دولت موضوع کوچک‌سازی را نیز مطرح می‌کنند.

اجماع حاکمیتی

بزرگ شدن تشکیلات دولتی و گسترش وابستگی سازمان‌ها به بودجه‌های عمومی تاثیر خود را بر بخش‌های مختلف گذاشته است؛ از جمله موارد نگران‌کننده به‌ویژه در این وضعیت بحرانی فعلی کشور، کاهش کیفیت خدمات عمومی همچون درمان و آموزش و پرورش که می‌تواند متاثر از هر تصمیم در دولت‌ها باشد. چابک‌سازی و کوچک‌سازی دولت موضوعی است که سالیان سال و در ادوار مختلف از سوی صاحب‌نظران بر ضرورتش تاکید شده است و حالا نیز دولتمردان و از ضرورت‌ها و تلاش در این زمینه می‌گویند.
در دولت چهاردهم، چابک‌سازی بیش از آنکه در اندازه تصمیم‌های مقطعی اجرایی شود، نیازمند اجماع حاکمیتی و اصلاحات ساختاری عمیق است. در نتیجه ضروری است که دولت با رویکردی شفاف و مطالعات و برنامه‌ریزی هدفمند بال خود را سبک‌تر کند.

اشاره

راستی آزمایی حرف‌های محمود

محمود احمدی نژاد که در سال‌های (۱۳۹۲-۱۳۸۴) رئیس جمهور کشورمان بود در هنگامه بحران اخیر و فعال شدن مکانیسم ماشه و مرگ رسمی برجام، ادعا کرده است "ریشه مشکلات و قطعنامه‌ها به دولت‌های خاتمی و روحانی بازمی گردد نه دولت من".

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، محمود احمدی نژاد در دوران اول ریاست جمهوری خود در قامت یک سوپرانقلابی تمام عیار ظاهر شده بود و شخصیت‌هایی، چون سعید جلیلی سکان داری امنیت و پرونده هسته‌ای در دوره او را برعهده داشت (از برکناری لاریجانی تا انتهای دولت) اما اکنون به دلایلی نامعلوم سعی می‌کند سابقه و شمایل دیگری برای خود بیافرند.
اما این ادعاها چقدر صحت دارد؟ آیا محمود احمدی نژاد راست می‌گوید؟
ریشه پرونده هسته‌ای ایران به اوایل دهه ۲۰۰۰ (پیش از ۱۳۸۲/۲۰۰۳) بازمی‌گردد، زمانی که آژانس بین المللی انرژی اتمی به بهانه فعالیت‌های اعلام‌نشده مانند تأسیسات غنی‌سازی نطنز و راکتور آب سنگین اراک، به موضوع هسته ای ایران ورود کرد.
در دوره ریاست‌جمهوری محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) همکاری کرد و در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) پروتکل الحاقی را به‌صورت داوطلبانه پذیرفت. این اقدام، همراه با تعلیق موقت غنی‌سازی اورانیوم، به مذاکرات با ترویکای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، آلمان) منجر شد. در این دوره، شورای حکام آژانس چند قطعنامه غیرالزام‌آور صادر کرد، اما پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع نشد و تحریم‌های بین‌المللی اعمال نگردید.
با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)، سیاست هسته‌ای دولت تغییر کرد و رویکردی تهاجمی‌تر اتخاذ شد. اقدامات کلیدی دولت احمدی نژاد که به تشدید تنش‌ها و صدور قطعنامه‌های تحریمی منجر شد عبارتند از:
- شکستن پلمب تأسیسات UCF اصفهان در مرداد ۱۳۸۴ (اوت ۲۰۰۵)، که نشانه‌ای از پایان تعلیق غنی‌سازی بود.
- ازسرگیری غنی‌سازی اورانیوم در نطنز در دی ۱۳۸۴ (ژانویه ۲۰۰۶)، برخلاف درخواست‌های آژانس.
- توقف اجرای پروتکل الحاقی در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)، که دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات هسته‌ای را محدود کرد.
- اعلام ساخت تأسیسات فردو در سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹).
این اقدامات باعث شد که در بهمن ۱۳۸۴ (فوریه ۲۰۰۶)، پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شود. در نتیجه، اولین قطعنامه الزام‌آور (قطعنامه ۱۶۹۶) در تیر ۱۳۸۵ (ژوئیه ۲۰۰۶) صادر شد و زمینه‌ساز تحریم‌های بعدی گردید. بنابراین، برخلاف ادعا، تصمیمات دولت احمدی‌نژاد نقش محوری در ارجاع پرونده به شورای امنیت و تشدید بحران داشت.
محمود احمدی نژاد در ادعایی دیگر مدعی شده است: "هیچ‌کدام از قطعنامه‌ها به خاطر فعالیت‌های دولت من (مثل غنی‌سازی ۲۰٪) صادر نشد"
این ادعا هم کاملا غیرواقع است: تمام شش قطعنامه اصلی شورای امنیت علیه ایران (۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵، ۱۹۲۹) بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰)، یعنی دقیقاً در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، صادر شدند. این قطعنامه‌ها مستقیماً در واکنش به اقدامات ایران در پیشبرد برنامه هسته‌ای، از جمله غنی‌سازی ۲۰ درصدی، وضع شدند. جزئیات این قطعنامه‌ها به شرح زیر است:
-قطعنامه ۱۶۹۶ (تیر ۱۳۸۵/ژوئیه ۲۰۰۶): از ایران خواست غنی‌سازی اورانیوم را تعلیق کند. این قطعنامه پس از ازسرگیری فعالیت‌های غنی‌سازی در نطنز و شکستن پلمب تأسیسات اصفهان صادر شد.
-قطعنامه ۱۷۳۷ (آذر ۱۳۸۵/دسامبر ۲۰۰۶): اولین قطعنامه تحریمی بود که به دلیل عدم تعلیق غنی‌سازی، محدودیت‌هایی بر تجارت مواد هسته‌ای و تحریم افراد و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران اعمال کرد.
- قطعنامه ۱۷۴۷ (فروردین ۱۳۸۶/مارس ۲۰۰۷): تحریم‌ها را گسترش داد و صادرات تسلیحات ایران را ممنوع کرد به دلیل ادامه غنی‌سازی و عدم همکاری کامل با آژانس.
- قطعنامه ۱۸۰۳ (اسفند ۱۳۸۶/مارس ۲۰۰۸): تحریم‌های بیشتری بر افراد، نهادها و بخش مالی ایران وضع کرد، زیرا ایران به غنی‌سازی ادامه داد.
- قطعنامه ۱۸۳۵ (شهریور ۱۳۸۷/سپتامبر ۲۰۰۸): بر اجرای قطعنامه‌های قبلی تأکید کرد و خواستار توقف فوری غنی‌سازی شد.
-قطعنامه ۱۹۲۹ (خرداد ۱۳۸۹/ژوئن ۲۰۱۰): شدیدترین تحریم‌ها را اعمال کرد و به‌طور خاص به غنی‌سازی ۲۰ درصدی (آغازشده در بهمن ۱۳۸۸/فوریه ۲۰۱۰) و ساخت تأسیسات فردو اشاره داشت. این قطعنامه تحریم‌های اقتصادی، مالی و تسلیحاتی گسترده‌ای را علیه ایران وضع کرد. غنی‌سازی ۲۰ درصدی، که در دوره احمدی‌نژاد آغاز شد این اقدام به‌صراحت در قطعنامه ۱۹۲۹ ذکر شده و یکی از دلایل اصلی تشدید تحریم‌ها بود. بنابراین، ادعای عدم ارتباط قطعنامه‌ها با فعالیت‌های دولت احمدی‌نژاد، از جمله غنی‌سازی ۲۰ درصد، کاملا نادرست است.
ادعای سوم محمود احمدی نژاد این است که "بهانه قطعنامه‌ها، فعالیت‌های دوره خاتمی و روحانی بوده است" این ادعا هم غیرواقع است، گرچه قطعنامه‌های شورای امنیت به سابقه پرونده هسته‌ای ایران و عدم شفافیت‌های پیش از سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) اشاره دارند، اما دلیل اصلی صدور آنها "عدم پایبندی ایران به تعهداتش طبق قطعنامه‌های قبلی شورای حکام و شورای امنیت" در دوره احمدی‌نژاد بود. به‌طور خاص، قطعنامه‌ها بر توقف فوری غنی‌سازی اورانیوم و بازگشت به همکاری کامل با آژانس تأکید داشتند که دقیقاً برخلاف سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد بود.
موضوع ابعاد احتمالی نظامی (PMD)، که به فعالیت‌های هسته‌ای ایران پیش از سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) مربوط می‌شد، یکی از نگرانی‌های آژانس بود. اما این موضوع تنها بخشی از پرونده بود و ماشه اصلی صدور قطعنامه‌ها، اقدامات جاری ایران در دوره ۱۳۸۴-۱۳۸۹ (۲۰۰۵-۲۰۱۰)، از جمله توسعه برنامه غنی‌سازی و کاهش همکاری با آژانس، بود. برای مثال:
- عدم اجرای پروتکل الحاقی پس از سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات را محدود کرد و به صدور قطعنامه‌های تحریمی منجر شد.
افزایش سطح غنی‌سازی به ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) به‌عنوان گامی غیرضروری برای نیازهای صلح‌آمیز تلقی شد و مستقیما در قطعنامه‌ها ذکر گردید.
در دوره حسن روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰/۲۰۱۳-۲۰۲۱)، مذاکرات منجر به توافق برجام (تیر ۱۳۹۴/ژوئیه ۲۰۱۵) شد، که تمام قطعنامه‌های تحریمی قبلی را لغو کرد (قطعنامه ۲۲۳۱). بنابراین، ارتباط دادن قطعنامه‌های تحریمی به دوره بعد از احمدی نژاد گمراه‌کننده‌است.

برش

روایتی از طلاق‌های مدرن؛

«چت جی‌پی‌تی» چطور زندگی خانوادگی را متلاشی می‌کند؟

چت‌جی‌پی‌تی (ChatGPT) که در ابتدا برای کمک به کاربران طراحی شده بود، حالا به عاملی برای ایجاد بحران‌های غیرمنتظره در روابط عاطفی تبدیل شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، در عصری که فناوری با سرعت به زندگی‌های ما نفوذ کرده، ابزارهای هوش مصنوعی مانند چت‌جی‌پی‌تی (ChatGPT) نه‌تنها به‌عنوان دستیارهای دیجیتال، بلکه به‌عنوان عاملی در تغییر پویایی روابط انسانی ظاهر شده‌اند.
در سراسر جهان، گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از زوج‌هایی به گوش می‌رسد که زندگی مشترکشان تحت تأثیر استفاده نادرست از این فناوری به مرز فروپاشی رسیده است. همسرانی که به‌جای گفت‌وگو با شریک زندگی خود، به چت‌جی‌پی‌تی روی آورده‌اند، حالا با طلاق، جدایی و دعواهای حقوقی تلخ دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

داستان یک جدایی دردناک

مردی که نزدیک به ۱۵ سال با همسرش زندگی مشترک داشت، از تجربه تلخ خود می‌گوید. او و همسرش پس از سال‌ها فراز و نشیب، در دو سال گذشته به ثبات رسیده بودند. اما ناگهان، ورود چت‌جی‌پی‌تی همه چیز را تغییر داد. این زوج که دو فرزند دارند، پس از شنیدن مشاجره والدین توسط پسر ۱۰ ساله‌شان، پیامی دلخراش از او دریافت کردند: «لطفاً طلاق نگیرید» اما واکنش همسر این مرد، استفاده از چت‌جی‌پی‌تی برای پاسخ به پیام فرزندشان بود. این اتفاق، سرآغاز فروپاشی زندگی مشترک آن‌ها شد.
این مرد توضیح می‌دهد که همسرش به چت‌جی‌پی‌تی به‌عنوان یک مشاور و همراه همیشگی روی آورده بود و با استفاده از این ابزار، مشکلات قدیمی زندگی مشترکشان را که سال‌ها پیش حل شده بود، دوباره زنده کرد. او می‌گوید: «چت‌جی‌پی‌تی تحلیل عینی ارائه نمی‌دهد، بلکه تنها همان چیزی را بازتاب می‌دهد که همسرم در اختیارش گذاشته بود.» این چرخه تأیید و تشدید، رابطه آن‌ها را در عرض چهار هفته به نابودی کشاند. این زوج اکنون در حال طلاق هستند و این مرد معتقد است که چت‌جی‌پی‌تی نقش اصلی را در این جدایی ایفا کرده است.

هوش مصنوعی؛ دوست یا دشمن در روابط عاطفی؟

این داستان تنها یکی از موارد متعددی است که نشان می‌دهد چگونه هوش مصنوعی به روابط عاطفی نفوذ کرده و گاهی آن‌ها را نابود می‌کند. در گفت‌وگو با بیش از ۱۲ نفر که معتقدند هوش مصنوعی عامل اصلی فروپاشی رابطه یا ازدواجشان بوده، الگویی نگران‌کننده پدیدار شد: یکی از طرفین رابطه به چت‌جی‌پی‌تی یا ابزارهای مشابه وابسته می‌شود و از آن برای مشاوره عاطفی، تحلیل رابطه یا حتی توجیه رفتار خود استفاده می‌کند. این وابستگی اغلب به جدایی، طلاق و حتی دعواهای حقوقی تلخ بر سر حضانت فرزندان منجر شده است.
در یک مورد، زنی تعریف کرد که همسرش در خودروی در حال حرکت و در حضور فرزندان خردسالشان، از حالت صوتی چت‌جی‌پی‌تی برای انتقاد از او استفاده می‌کرد. او می‌گوید: «همسرم با چت‌جی‌پی‌تی صحبت می‌کرد و از آن می‌خواست که مرا سرزنش کند، در حالی که بچه‌هایمان در صندلی عقب بودند.» این رفتار، که به گفته او بارها تکرار شد، به جدایی و دعوای حقوقی بر سر حضانت منجر شد.

هشدار کارشناسان/خطر وابستگی به هوش مصنوعی

دکتر آنا لمبکه، استاد دانشگاه استنفورد و متخصص اعتیاد، هشدار می‌دهد که استفاده از چت‌جی‌پی‌تی به‌عنوان مشاور عاطفی می‌تواند به رفتارهای ناسالم بین زوج‌ها منجر شود. او معتقد است که این ابزارها برای ارائه تأیید و همدلی بی‌قیدوشرط طراحی شده‌اند، نه برای ارائه تحلیل عینی یا کمک به حل تعارضات. لمبکه می‌گوید: «یک درمانگر خوب به مراجع کمک می‌کند تا نقاط کور خود را ببیند و دیدگاه طرف مقابل را درک کند. اما هوش مصنوعی این‌گونه عمل نمی‌کند؛ بلکه با تأیید مداوم دیدگاه کاربر، او را در یک چرخه بسته نگه می‌دارد».
او همچنین به تأثیرات بیولوژیکی این تأیید مداوم اشاره می‌کند: «تأیید اجتماعی باعث ترشح دوپامین در مغز می‌شود و می‌تواند به وابستگی شبیه به اعتیاد منجر شود.» این موضوع باعث می‌شود که افراد به جای تلاش برای بهبود ارتباط با شریک زندگی خود، به هوش مصنوعی وابسته شوند و از دنیای واقعی فاصله بگیرند.

پیامدهای گسترده‌تر: از طلاق تا آسیب‌های روانی

در برخی موارد، استفاده نادرست از چت‌جی‌پی‌تی حتی به خشونت خانگی منجر شده است. به عنوان مثال، مردی گزارش داد که همسرش، که سال‌ها اختلال دوقطبی خود را مدیریت کرده بود، پس از وابستگی به چت‌جی‌پی‌تی دچار فروپاشی روانی شد و به او و مادرش حمله کرد. این اتفاق به بازداشت همسر و در نهایت طلاق منجر شد.
اُپن‌ای‌آی (OpenAI)، شرکت سازنده چت‌جی‌پی‌تی، در پاسخ به این نگرانی‌ها اعلام کرده که در حال بهبود پاسخ‌های این ابزار در موقعیت‌های حساس است و قصد دارد با همکاری کارشناسان، حمایت بهتری برای کاربران در بحران فراهم کند. با این حال، بسیاری از افرادی که با این مشکل مواجه شده‌اند، معتقدند که این شرکت به اندازه کافی برای اطلاع‌رسانی درباره خطرات احتمالی این فناوری تلاش نکرده است.

نیاز به آگاهی و احتیاط

دکتر لمبکه پیشنهاد می‌کند که ابزارهای هوش مصنوعی مانند چت‌جی‌پی‌تی باید با هشدارهایی همراه شوند که کاربران را از خطرات احتمالی، از جمله احتمال وابستگی، آگاه کنند. او معتقد است که باز تعریف این ابزارها به‌عنوان «مواد دیجیتال» می‌تواند به کاربران کمک کند تا با احتیاط بیشتری از آن‌ها استفاده کنند.
افرادی که زندگی‌شان تحت تأثیر این فناوری قرار گرفته، از حس انزوا و ناتوانی در برابر این ابزار سخن می‌گویند. یکی از آن‌ها می‌گوید: «احساس می‌کردم که همسرم دیگر نمی‌تواند بدون چت‌جی‌پی‌تی با من یا حتی دیگران ارتباط برقرار کند.» دیگری با اندوه می‌افزاید: «من بهترین دوستم را از دست دادم. این فناوری زندگی ما را نابود کرد».
در نهایت، این داستان‌ها هشداری است درباره تأثیرات عمیق فناوری بر زندگی شخصی. همان‌طور که هوش مصنوعی به‌بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی ما تبدیل می‌شود، باید با آگاهی و مسئولیت از آن استفاده کنیم تا از آسیب‌های ناخواسته به روابط انسانی جلوگیری شود.